

مغنی الفقیہ

علم صرف در مسیحا حقیقہ

پایہ ریزی علم صرف بر اساس مبانی فقہی اصولی شیعہ

مصطفی جمال

سرشناسه	: جمالی ، مصطفی ، ۱۳۹۳.
عنوان و نام پدیدآور	: مغنی الفقیه ، مصطفی جمالی .
مشخصات نشر	: قم دارالفکر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۶۲۲ ص.
شابک	: 978 - 600 - 270 - 033 - 9
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ زالف ۶/۳۱/۶ RP۴A/
رده‌بندی دیوپی	: ۲۹۷/۴۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۸۹۵۶۳



انتشارات دارالفکر

مؤسس: مرحوم حجة الاسلام والمسلمین
آقای حاج سید عبدالحمید مولانا (ره)

مغنی الفقیه علم صرف و مسیراجتهاد

مؤلف: مصطفی جمالی

ناشر: انتشارات دارالفکر

چاپ: قدس، قم

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۰۳۳-۰۲۷۰-۶۰۰-۹۷۸ - ISBN: 978-600-270-033-9

انتشارات دارالفکر

دفتر مرکزی: قم خیابان معلم، مجتمع ناشران پلاک ۳۶

تلفن: ۳۷۷۴۳۵۴۴ - ۳۷۷۳۳۶۴۵ - فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،

روبه‌روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحدیک - تلفن: ۶۶۴۰۸۹۲۷

فروشگاه تهران: ۶۶۴۷۶۴۸۸

فهرست

پیشگفتار.....	۱۷	۳. قلمرو هیئت معتبر قلیل.....	۳۵
بخش اول: احکام کلی هیئت کلمات		۴. نمونه هایی از هیئت معتبر قلیل.....	۳۵
مقدمه.....	۲۵	۵. کاربرد هیئت قلیل در قرآن.....	۳۶
۱. موضوع علم صرف.....	۲۵	فصل سوم: راه های شناخت معنای وضعی	
۲. اقسام هیئت.....	۲۵	هیئت.....	۳۷
۱- ۲. هیئت شخصی.....	۲۵	۱. مقصود از معنای وضعی.....	۳۷
۲- ۲. هیئت نوعی.....	۲۶	۲. راه های شناخت معنای وضعی.....	۳۷
فصل اول: اعتبار هیئت	۲۷	۱- ۲. اقسام.....	۳۷
۱. تحریر مسأله.....	۲۷	۲- ۲. صحت حمل و سلب.....	۳۹
۲. ملاک اعتبار هیئت.....	۲۷	۲- ۳. اطراد.....	۳۹
۳. منشأ اعتبار.....	۲۷	۳. کاربرد فقهی.....	۴۰
۴. اقسام هیئت به لحاظ اعتبار.....	۲۸	فصل چهارم: اقسام معنای وضعی هیئت	۴۳
۵. اقسام هیئت به لحاظ میزان اعتبار.....	۲۸	مبحث اول: معنای شرعی.....	۴۳
۶. منشأ کثرت و قلت اعتبار.....	۲۹	۱. تقدم معنای شرعی.....	۴۳
فصل دوم: قلمرو جواز استعمال هیئت های		۲. مجرد استعمال نشانه حقیقت نیست.....	۴۵
معتبر.....	۳۱	مبحث دوم: معنای عرفی.....	۴۶
۱. قلمرو هیئت معتبر کثیر.....	۳۱	۱. معنای عرفی.....	۴۶
۲. موارد استثناء.....	۳۴	۲. حجت معنای عرفی.....	۴۶
		۳. کاربرد فقهی.....	۴۸

۷۰..... ۲. دیدگاه ادبا.....	۴۸..... مبحث سوم: معنای لغوی.....
	۱. دلایل حجیت قول لغوی و اشکالات.....
	۴۸..... آن.....
	۵۰..... ۲. نصوص.....
۷۷..... باب اول: کلیات.....	۵۴..... فصل پنجم: شناخت معنای مراد متکلم.....
۷۹..... فصل اول: تعریف فعل.....	۵۴..... ۱. مقصود از معنای مراد متکلم.....
۷۹..... ۱. تعریف فعل.....	۵۵..... ۲. راه شناخت معنای مراد متکلم.....
۸۰..... ۲. معنای حرفی و غیر مستقل.....	۵۵..... ۱-۲. اصل حقیقت.....
۸۱..... ۳. مفهوم حدوث یا واقعیت آن.....	۵۵..... ۲-۲. اصل اطلاق.....
۸۲..... ۴. بساطت معنای فعل.....	۵۶..... ۲-۳. اصل عدم اشتراک.....
۸۲..... ۵. حدوث نه استمرار.....	۵۷..... ۲-۴. اصل عدم تناسل.....
۸۳..... ۶. حدوث نه اتصاف محض.....	۵۸..... ۲-۵. اصل ظهور.....
۸۵..... ۷. زمان.....	۵۸..... ۳. حجیت اصول لفظیه.....
۸۵..... ۸. مره و تکرار.....	۵۹..... ۴. کاربرد فقهی.....
۸۶..... ۹. صدور فعلی یا شأنی یا ملکه‌ای.....	۶۱..... فصل ششم: اقسام هیئت به لحاظ تعدد معنا.....
۸۸..... ۱۰. فعل لازم و متعدی.....	۶۱..... ۱. هیئت خاص.....
۸۸..... ۱۱. فعل معرّم و مجهول.....	۶۱..... ۲. هیئت مشترک.....
۸۹..... ۱۲. هیئت فعل مجهول در افعال لازم.....	۶۲..... ۳. هیئت منقول.....
۸۹..... ۱۳. کاربرد فقهی.....	۶۳..... ۴. حقیقت و مجاز.....
۹۲..... ۱۴. نصوص.....	۶۳..... ۵. مترادف.....
۹۵..... فصل دوم: اصل فعل.....	۶۴..... ۶. کاربرد فقهی.....
۹۵..... ۱. دو گونه اختلاف درباره‌ی اصل کلمات.....	۶۸..... تنبیه.....
۹۵..... در میان ادبا.....	۶۸..... تنبیه اول: زیاده المبانی.....
۹۶..... ۲. وجود اصل میان کلمات.....	۶۸..... ۱. زیادت فرع بر اصل.....
۹۶..... ۱-۲. دلیل بر مشتق بودن برخی کلمات.....	۶۸..... ۲. زیادت فرع بر فرع.....
۹۷..... ۲-۲. دلیل بر جامد بودن برخی کلمات.....	۷۰..... تنبیه دوم: تناسب هیئت با معنا.....
۹۸..... ۳. نوع اصل.....	۷۰..... ۱. تحریر مسأله.....
۹۹..... ۴. اشتقاق طولی و عرضی.....	

۴-۱. عرضی از حیث لفظی..... ۹۹	۴. کاربرد فقهی..... ۱۲۵
۴-۲. طولی از حیث معنا..... ۱۰۰	تحقیق..... ۱۲۵
۴-۳. نتیجه گیری..... ۱۰۰	مبحث سوم: مفرد و مثنی و جمع..... ۱۲۶
۵. اصل قرار گرفتن الفاظ جامد..... ۱۰۱	۱. خصوصیت مفرد یا مثنی و جمع..... ۱۲۶
۶. محفوظیت معنای ماده در تمامی مشتقات..... ۱۰۳	۲. عدم دلالت مثنی و جمع بر همزمانی در انجام فعل..... ۱۲۷
۷. دو دال (ماده و هیئت) و یک مدلول..... ۱۰۴	۳. کاربرد فقهی..... ۱۲۷
۸. نصوص..... ۱۰۵	تحقیق..... ۱۲۹
فصل سوم: قیود معتبر در اسناد فعل به فاعل..... ۱۱۰	باب دوم: فعل ماضی..... ۱۳۱
مبحث اول: مباشرت فاعل..... ۱۱۰	مبحث اول: تعریف فعل ماضی..... ۱۳۳
۱. اقوال در مسأله..... ۱۱۰	۱. تعریف..... ۱۳۳
۲. کاربرد فقهی..... ۱۱۲	۲. تحقق..... ۱۳۴
مبحث دوم: اختیاری بودن فعل..... ۱۱۳	۳. انقضاء و فراغ از عمل..... ۱۳۴
۱. فعل معلوم..... ۱۱۳	۱. زمان..... ۱۳۶
۲. فعل مجهول..... ۱۱۵	۵. دلالت فعل ماضی نسبت به دلالت بر زمان..... ۱۳۶
۳. کاربرد فقهی..... ۱۱۵	۱-۵. نزدیک به زمان حال..... ۱۳۷
مبحث سوم: شرط اسناد عمل به فاعل مختار..... ۱۱۸	۲-۵. زمان حال و وقت تکلم..... ۱۳۷
۱. عدم وساطت اراده‌ی دیگر..... ۱۱۸	۳-۵. زمان مستقبل و بعد از زمان تکلم..... ۱۳۸
۲. کاربرد فقهی..... ۱۱۸	۴-۵. احتمال گذشته و آینده..... ۱۳۸
فصل چهارم: صیغه های فعل..... ۱۲۰	۶. کاربرد فقهی..... ۱۳۹
مبحث اول: مخاطب، غائب و متکلم..... ۱۲۰	۷. نصوص..... ۱۴۲
۱. اصل اشتراک..... ۱۲۰	تحقیق..... ۱۴۵
۲. ادله‌ی قاعده‌ی اشتراک..... ۱۲۱	مبحث دوم: تقييد موضوع حکم به وصف ماضی ۱۴۷
مبحث دوم: مذکر و مؤنث..... ۱۲۳	باب سوم: فعل مضارع..... ۱۴۹
۱. خصوصیت تانیث و تذکیر..... ۱۲۳	۱. تعریف..... ۱۵۱
۲. موارد مشکوک و عدم قرینه..... ۱۲۴	۲. زمان..... ۱۵۲
۳. دلالت جمع مذکر بر مؤنث..... ۱۲۴	

- ۱۸۰..... ۲. شدت و ضعف در اراده
- ۱۸۱..... ۳. بعث مسبوق به اراده
- ۱۸۲..... ۴. شدت و ضعف در بعث اعتباری
- ۱۸۴..... فصل دوم: بعث اعتباری وجوبی
- ۱۸۴..... ۱. دلیل اول: تبادر
- ۱۸۴..... ۱-۱. تصویر اول
- ۱۸۵..... ۱-۲. تصویر دوم
- ۱۸۵..... ۱-۳. تصویر سوم
- ۱۸۷..... ۱-۴. تصویر چهارم
- ۱۸۸..... ۲. دلیل دوم: انصراف
- ۱۸۹..... ۳. دلیل سوم: اطلاق
- ۱۹۲..... ۴. دلیل چهارم: کاشفیت عقلایی
- ۱۹۳..... ۵. دلیل پنجم: دلیل عقل
- ۱۹۴..... ۶. دلیل ششم: بناء عقلاء
- ۱۹۵..... ۷. کاربرد فقهی
- ۱۹۷..... ۸. تصویر
- ۲۰۳..... تحقیق
- ۲۰۵..... فصل سوم: وجوب عینی، تعینی، نفسی
- ۲۰۵..... ۱. اقسام واجب
- ۲. دلالت فعل امر بر وجوب عینی، تعینی
- ۲۰۵..... و نفسی
- ۲۰۶..... ۳. دلیل اول: تبادر
- ۲۰۶..... ۴. دلیل دوم: انصراف
- ۲۰۷..... ۵. دلیل سوم: اطلاق هیئت
- ۲۰۸..... ۶. دلیل چهارم: اطلاق متعلق امر (صلاة)
- ۲۰۹..... ۷. دلیل پنجم: بناء عقلاء
- ۲۱۰..... ۸. کاربرد فقهی
- ۲۱۳..... ۹. نصوص
- ۱۵۲..... ۳. اقوال در تعیین زمان مضارع
- ۱۵۲..... ۱-۳. زمان حال
- ۱۵۳..... ۲-۳. مشترک لفظی
- ۱۵۳..... ۳-۳. مشترک معنوی
- ۱۵۵..... ۴. حالات فعل مضارع نسبت به زمان
- ۱۵۵..... ۱-۴. صلاحیت برای حال و استقبال
- ۱۵۵..... ۲-۴. آینده‌ی قریب به حال
- ۱۵۶..... ۳-۴. حال
- ۱۵۶..... ۴-۴. استقبال
- ۱۵۷..... ۴-۵. گاست
- ۱۵۷..... ۵. استمرار
- ۱۵۸..... ۶. تقیید موضوع حکم، فعل مضارع
- ۱۵۸..... ۷. کاربرد فقهی
- ۱۶۴..... ۸. نصوص
- تحقیق
- ۱۶۷..... باب چهارم: فعل امر
- ۱۶۹..... مقدمه
- ۱۶۹..... ۱. تعریف
- ۱۶۹..... ۲. زمان
- ۱۶۹..... ۳. بعث اعتباری
- ۱۷۱..... ۴. معنای حرفی ایجاد
- ۵. حفظ معنای مذکور در اغراض
- ۱۷۲..... مختلف امر
- ۱۷۳..... ۶. کاربرد فقهی
- ۱۷۴..... ۷. نصوص
- ۱۷۸..... تحقیق
- ۱۸۰..... فصل اول: شدت و ضعف بعث
- ۱. شدت و ضعف در بعث حقیقی

۲۴۷	باب پنجم: ثلاثی مزید	۲۱۶	تحقیق
۲۴۹	مقدمه	۲۱۷	فصل چهارم: بحث به سوی حدوث ماهیت
۲۴۹	۱. اصل افعال ثلاثی مزید	۲۱۷	۱. تحریر مسأله
۲۴۹	۲. قلمرو استعمال ابواب ثلاثی مزید	۲۱۷	۲. تصویر اول
۲۵۱	۳. اشتراک یا نقل یا مجاز	۲۲۰	۳. تصویر دوم
۲۵۳	۴. معنای غالبی ابواب	۲۲۱	۴. تصویر سوم
۲۵۳	۵. معانی کثیر و قلیل	۲۲۳	فصل پنجم: مژه و تکرار
۲۵۴	۶. معنای تاکید و مبالغه	۲۲۳	۱. بحث از دلالت لفظی فعل امر
۲۵۵	۷. عدم کلفت در معنا	۲۲۳	۲. اقوال در متعلق نزاع
۲۵۵	۸. لحاظ دو معنای مختلف در یک مورد	۲۲۴	۳. نزاع متعلق به ماده‌ی امر
۲۵۶	واحد	۲۲۴	۱-۳. دلیل اول
۲۵۹	فصل اول: باب افعال	۲۲۵	۲-۳. دلیل دوم
۲۵۹	۱. معنای کثیر الإستعمال	۲۲۶	۴. نزاع متعلق به هیئت امر
۲۵۹	۱-۱. معنای «جعل»	۲۲۶	۱-۴. دلیل اول
۲۶۰	۱-۲. جعل به معنای وقوع فعل	۲۲۶	۲-۴. دلیل دوم
۲۶۰	۲. معنای «مسطح الإستعمال»	۲۲۸	۵. قول حق در دلالت فعل امر بر مژه یا تکرار
۲۶۱	۱-۲. صیوریه	۲۲۹	۶. مقام امتثال
۲۶۱	۲-۲. واجدیت	۲۳۰	۷. کاربرد فقهی
۲۶۲	۳-۲. وصول وقت	۲۳۱	۸. نصوص
۲۶۳	۴-۲. دخول در وقت	۲۳۵	تحقیق
۲۶۴	۵-۲. سلب	۲۳۶	فصل ششم: فور و تراخی
۲۶۵	۶-۲. تعریض	۲۳۶	۱. نزاع مربوط به ماده یا هیئت
۲۶۶	۷-۲. اتخاذ	۲۳۶	۲. دیدگاه محقق حائری
۲۶۶	۸-۲. به معنای فعل	۲۳۷	۳. قول حق
۲۶۷	۳. معانی قلیل الإستعمال	۲۳۸	۴. قرینه بر فور یا تراخی
۲۶۸	۴. کاربرد فقهی	۲۳۹	۵. کاربرد فقهی
۲۶۹	تحقیق	۲۴۲	۶. نصوص
		۲۴۶	تحقیق

۳. معنای مطاوعه باب تفعل با توجه به	۲۷۱ فصل دوم: باب تفعل
۳۰۴. معنای باب تفعل	۲۷۱. ۱. معنای کثیر الإستعمال
۳۰۴. ۱-۳. صیورت	۲۷۱. ۱-۱. تکثیر
۳۰۵. ۲-۳. تکلف	۲۷۲. ۱-۲. جعل
۳۰۶. ۳-۳. اتخاذ	۲۷۳. ۲. معانی متوسط الإستعمال
۳۰۷. ۳-۴. لبس	۲۷۳. ۲-۱. نسبت
۳۰۷. ۳-۵. تدریج	۲۷۴. ۲-۲. اختصار قول
۳۰۸. ۴. معانی متوسط الإستعمال	۲۷۵. ۲-۳. صیورت
۳۰۸. ۴-۱. طلب	۲۷۵. ۲-۴. اتخاذ
۳۰۹. ۴-۲. فعل	۲۷۶. ۲-۵. سلب
۳۱۲. ۵. کاربرد فقهی	۲۷۷. ۲-۶. فعل
۳۱۳. تحقیق	۲۷۷. ۳. فرق باب افعال و تفعل
۳۱۵. فصل پنجم: باب تفاعل	۲۷۷. ۴. کاربرد فقهی
۳۱۵. ۱. معنای کثیر الإستعمال	۲۷۹. تحقیق
۳۱۵. ۱-۱. مشارکت	۲۸۲. فصل سوم: مفاعله
۳۱۶. ۱-۲. فرق مشارکت در مفاعله و تفاعل	۲۸۲. ۱. معنای اول: مشارکت
۳۱۶. ۲. معانی متوسط الإستعمال	۲۸۳. ۱-۱. اشکال ثبوتی
۳۱۶. ۲-۱. تغافل	۲۸۴. ۱-۲. اشکال اثباتی
۳۱۷. ۲-۲. مطاوعه	۲۸۶. ۲. معنای دوم: سعی به سوی فعل
۳۲۱. ۳. کاربرد فقهی	۲۸۷. ۳. معنای سوم: تعدیه
۳۲۳. تحقیق	۲۸۷. ۴. معنای چهارم: معنای مجرد به نحو
۳۲۵. فصل ششم: باب افتعال	۲۸۹. امتداد
۳۲۵. ۱. معنای کثیر الإستعمال	۲۹۲. ۵. معنای پنجم: نسبت مستتبع نسبت دیگر
۳۲۵. مطاوعه	۲۹۳. ۶. کاربرد فقهی
۳۲۷. ۲. معانی متوسط الإستعمال	۲۹۹. تحقیق
۳۲۷. ۲-۱. مشارکت	۳۰۱. فصل چهارم: تفعل
۳۲۷. ۲-۲. لبس	۳۰۱. ۱. معانی باب تفعل
۳۲۸. ۲-۳. اتخاذ	۳۰۲. ۲. فرق معنای مطاوعه و معنای مجهول

۳۶۱.....	۲. زمان در اسم	۳۲۹.....	۴-۲. صیورت
۳۶۱.....	۳. نصوص	۳۳۰.....	۵-۲. طلب
۳۶۵.....	باب اول: مصدر و اسم مصدر	۳۳۰.....	۶-۲. فعل
۳۶۷.....	۱. تعریف	۳۳۴.....	۳. تاکید معنای «فعل»
۳۶۷.....	۱-۱. قول اول	۳۳۴.....	۴. کاربرد فقهی
۳۶۸.....	۲-۱. قول دوم	۳۳۵.....	تحقیق
۳۶۹.....	۳-۱. قول سوم	۳۳۹.....	فصل هفتم: باب انفعال
۳۷۱.....	۲. دلالت بر تحقق حدث در خارج	۳۳۹.....	۱. معنای باب انفعال
۳۷۲.....	۳. اصل مشتقات	۳۴۰.....	۲. کاربرد فقهی
۳۷۲.....	۴. وزن اسم مصدر	۳۴۰.....	تحقیق
۳۷۳.....	۵. مصدر به معانی اسم فاعل و مفعول	۳۴۲.....	فصل هشتم: باب استفعال
۳۷۴.....	۶. اشتراک هیئت	۳۴۲.....	۱. معنای کثیر الإستعمال
۳۷۵.....	۷. مصدر میمی		طلب
۳۷۵.....	۸. کاربرد فقهی		۲. معانی متوسط الإستعمال
۳۷۵.....	۱-۱. مصدر	۳۴۴.....	۱-۲. تحول
۳۷۶.....	۲-۸. اسم مصدر	۳۴۵.....	۲-۲. مفعول را بر صفتی یافتن
۳۷۹.....	۳-۸. تحقق	۳۴۶.....	۳-۲. اتخاذ
۳۸۱.....	۴-۸. مصدر میمی	۳۴۶.....	۴-۲. مطاوعه
۳۸۲.....	۹. نصوص	۳۵۱.....	۳. کاربرد فقهی
۳۸۸.....	تحقیق	۳۵۲.....	تحقیق
۳۹۱.....	باب دوم: جامد و مشتق	۳۵۷.....	خاتمه: اسم فعل
۳۹۳.....	فصل اول: تعریف مشتق	۳۵۷.....	۱. تعریف
۳۹۳.....	۱. قول اول: الذات القائم به المبدأ	۳۵۷.....	۲. معنای حرفی
۳۹۴.....	۲. قول دوم: الذات المتلبس بالمبدأ	۳۵۷.....	۳. نصوص
۳۹۵.....	۳. قول سوم: الذات الواجد للمبدأ		
۳۹۵.....	۴. قول چهارم: الذات الثابت فيه المبدأ		
۳۹۶.....	۵. شاهد روانی		

بخش سوم: اسم

۳۶۱.....	مقدمه
۳۶۱.....	۱. تعریف اسم

۴۳۰.....	۲-۴. دلیل دوم	۳۹۷.....	۶. نصوص
۴۳۱.....	۳-۴. دلیل سوم	۴۰۱.....	فصل دوم: معنای ترکیبی مشتق
۴۳۲.....	۴-۴. دلیل چهارم	۴۰۱.....	۱. تحریر مسأله
۴۳۴.....	۵-۴. اشکال ثبوتی قول به اعم	۴۰۳.....	۲. تبادر معنای ترکیبی
۴۳۴.....	۵. کاربرد فقهی	۴۰۴.....	۳. اخذ عنوان «ذات» در تعریف
۴۳۵.....	۶. نصوص	۴۰۶.....	۱-۳. اشکال اول
۴۴۰.....	فصل پنجم: زمان ثبوت مبدأ	۴۰۷.....	۲-۳. جواب
۴۴۰.....	۱. تحریر مسأله	۴۰۸.....	۳-۳. اشکال دوم
۴۴۰.....	۲. احتمال اول: زمان حال	۴۰۸.....	۳-۴. جواب
۴۴۲.....	۳. احتمال دوم: عدم دلالت بر زمان	۴۰۹.....	۴. اخذ معنای نسبت در تعریف
۴۴۳.....	۴. زمان اخبار یا حکم	۴۱۰.....	۵. نصوص
۴۴۳.....	۵. زمان وجوب یا واجب	۴۱۴.....	فصل سوم: فعلیت مبدأ
۴۴۴.....	۶. تقیید مشتق به زمان خاص	۴۱۰.....	۱. تحریر مسأله
۴۴۵.....	۷. نصوص	۴۱۵.....	۲. قول اول: اختلاف در ماده
۴۴۸.....	فصل ششم: اسم فاعل	۴۱۵.....	۱-۲. اشکال اول
۴۴۸.....	۱. تعریف	۴۱۶.....	۲-۲. اشکال دوم
۴۴۸.....	۲. حدوئی بودن	۴۱۷.....	۳. قول دوم: قبل و بعد از حمل
۴۴۹.....	۳. مره یا تکرار	۴۱۹.....	۴. قول سوم: اختلاف در هیئت
۴۴۹.....	۴. فعلیت، ملکه و شأنیت	۴۱۹.....	۵. قول چهارم: اختلاف در مجموع ماده و هیئت
۴۵۰.....	۵. کاربرد فقهی	۴۲۱.....	۶. کاربرد فقهی
۴۵۲.....	۶. نصوص	۴۲۲.....	۷. نصوص
۴۵۴.....	تحقیق	۴۲۶.....	فصل چهارم: عدم انقضاء مبدأ
۴۵۶.....	فصل هفتم: اسم مفعول	۴۲۶.....	۱. تحریر مسأله
۴۵۶.....	۱. تعریف	۴۲۸.....	۲. عدم دلالت بر آینده
۴۵۶.....	۲. متلبس و منقضی در اسم مفعول	۴۲۸.....	۳. دلالت بر انصاف حال
۴۵۷.....	۳. هیئت اسم مفعول در فعل لازم	۴۳۰.....	۴. دلالت بر حال و گذشته
۴۵۸.....	۴. کاربرد فقهی	۴۳۰.....	۱-۴. دلیل اول
۴۵۹.....	۵. نصوص		

تحقیق	۴۶۰	تحقیق	۴۷۹
فصل هشتم: صفت مشبیه	۴۶۲	فصل یازدهم: اسم مکان	۴۸۲
۱. تعریف	۴۶۲	۱. تعریف	۴۸۲
۲. استمرار و دوام	۴۶۲	۲. کاربرد فقهی	۴۸۳
۳. کاربرد فقهی	۴۶۳	تحقیق	۴۸۵
۴. نصوص	۴۶۴	فصل دوازدهم: اسم زمان	۴۸۷
تحقیق	۴۶۴	۱. تعریف اسم زمان	۴۸۷
فصل نهم: اسم تفضیل	۴۶۷	۲. تصویر منقضی در اسم زمان	۴۸۷
۱. تعریف	۴۶۷	۱-۲. تصویر اول	۴۸۸
۲. برتری نسبی	۴۶۷	۲-۲. تصویر دوم	۴۹۰
۳. تعیین جهت برتری	۴۶۸	۳-۲. تصویر سوم	۴۹۰
۴. حذف متعلق	۴۶۸	۴-۲. تصویر چهارم	۴۹۱
۵. خروج از معنای تفضیلی	۴۶۸	۳. نصوص	۴۹۳
۶. لفظ «خیر» صفت مشبیه است	۴۶۹	فصل سیزدهم: اسم آلت	۴۹۶
۷. اسم تفضیل در صفات خداوند	۴۷۰	۱. تعریف	۴۹۶
۸. کاربرد فقهی	۴۷۱	۲. نصوص	۴۹۷
۹. نصوص	۴۷۲	باب سوم: مذکر و مؤنث	۵۰۱
تحقیق	۴۷۳	۱. موضوع له «تاء»	۵۰۳
فصل دهم: اسم مبالغه	۴۷۵	۲. اخذ مذکر و مؤنث حقیقی در موضوع	۵۰۴
۱. تعریف	۴۷۵	۳. کاربرد فقهی	۵۰۸
۲. مبالغه در مبدأ	۴۷۵	۴. نصوص	۵۱۳
۳. اشتقاق	۴۷۵	تحقیق	۵۱۵
۴. مبالغه ی فَعَلٌ	۴۷۶	باب چهارم: متصرف و غیر متصرف	۵۱۷
۵. فعل لازم و متعدی	۴۷۶	فصل اول: مثنی	۵۱۹
۶. حدوث	۴۷۶	۱. تعریف	۵۱۹
۷. وزن «فعال» به معنای نسبت	۴۷۷	۲. استعمال تثنیه در دو معنا	۵۲۱
۸. کاربرد فقهی	۴۷۷	۳. نکره بودن افراد مثنی	۵۲۱
۹. نصوص	۴۷۸		

۵۴۵..... ۸. نصوص	۵۲۲..... ۴. استقلال افراد در حکم
۵۴۷..... تحقیق	۵۲۲..... ۵. تعدد به حسب اشخاص یا عناوین
۵۴۹..... مبحث چهارم: جمع مضاف به معرفه	۵۲۴..... ۶. «لا رجلین فی الدار»
۵۴۹..... ۱. ظهور در عموم	۵۲۴..... ۷. نصوص
۵۵۰..... ۲. کاربرد فقهی	۵۲۵..... تحقیق
۵۵۲..... ۳. نصوص	۵۲۷..... فصل دوم: جمع
۵۵۳..... تحقیق	۵۲۷..... مبحث اول: جمع
۵۵۴..... مبحث پنجم: جمع مضاف به نکره	۵۲۷..... ۱. تعریف
۵۵۴..... ۱. ظهور در عموم	۵۲۸..... ۲. اقل جمع
۵۵۵..... ۲. نصوص	۵۳۰..... ۳. تعدد مفرد
۵۵۷..... فصل سوم: اسم جنس و علم جنس	۵۳۱..... ۴. جمع قله و کثره
۵۵۷..... مبحث اول: اسم جنس	۵۳۱..... ۵. استعمال جمع در کسرها
۵۵۷..... ۱. تعریف	۵۳۲..... ۶. کاربرد فقهی
۵۵۸..... ۲. مراحل ثلاثه‌ی وضع در اسم جنس	۵۳۴..... ۷. نصوص
۵۶۰..... ۳. شیوع در افراد	۵۳۵..... مبحث دوم: جمع نکره
۵۶۱..... ۴. کاربرد اسم جنس و الفاظ عموم چون «کل عام»	۵۳۵..... ۱. دلالت جمع نکره
۵۶۳..... ۵. مفرد یا جمع بودن اسم جنس	۵۳۶..... ۲. حمل جمع بر اقل
۵۶۳..... ۶. اراده‌ی قلت و کثرت	۵۳۷..... ۳. کاربرد فقهی
۵۶۳..... ۷. مفرد اسم جنس	۵۳۸..... مبحث سوم: جمع معرفه به «أل»
۵۶۴..... ۸. فرق اسم جنس جمعی و افرادی	۵۳۸..... ۱. دلالت بر عموم
۵۶۴..... ۹. نصوص	۵۳۹..... ۲. احتمال اول: وضع «أل» برای عموم
۵۶۷..... مبحث دوم: اسم جنس معرفه	۵۴۰..... ۳. احتمال دوم: وضع «أل» برای تعریف
۵۶۷..... ۱. تعریف	۵۴۱..... ۴. احتمال سوم: مجموع عنوان جمع محلی به «أل»
۵۶۸..... ۲. اعتباری یا واقعی بودن تعریف	۵۴۲..... ۵. استغراق حقیقی و اضافی
۵۶۹..... ۳. قابلیت تعریف در ماهیت	۵۴۲..... ۶. «أل» عهد
۵۶۹..... ۴. معنای ماهیت معرفه	۵۴۳..... ۷. کاربرد فقهی

۵. فرق علم جنس و اسم جنس معرفه به	۶۰۲.....
«أل»	۵۷۰.....
۶. دیدگاه مرحوم آخوند درباره‌ی تعریف	۶۰۳.....
ماهیت	۵۷۱.....
۷. عمومیت در ماهیت معرفه	۵۷۳.....
۸. کاربرد فقهی	۵۷۵.....
۹. نصوص	۵۷۷.....
تحقیق	۵۸۳.....
مبحث سوم: اسم جنس نکره	۵۸۴.....
۱. تعریف	۵۸۴.....
۲. دیدگاه محقق خراسانی	۵۸۴.....
۳. کاربرد فقهی	۵۸۷.....
۴. نصوص	۵۸۸.....
تحقیق	۵۸۹.....
فصل چهارم: اسم جمع	۵۹۲.....
۱. تعریف	۵۹۲.....
۲. فرق جمع، اسم جمع و اسم جنس	۵۹۲.....
۳. کاربرد فقهی	۵۹۳.....
۴. نصوص	۵۹۳.....
باب پنجم: معرفه و نکره	۵۹۵.....
فصل اول: عَلم	۵۹۷.....
۱. تعریف	۵۹۷.....
۲. وضع عام موضوع له عام	۵۹۷.....
۳. نصوص	۵۹۸.....
فصل دوم: اسم اشاره	۶۰۰.....
۱. تعریف	۶۰۰.....
۲. قید مفرد مذکر	۶۰۱.....
۳. معنای حرفی و جزئی اشاره	۶۰۲.....
۱-۳. اشکال	۶۰۲.....
۲-۳. جواب	۶۰۳.....
۴. نصوص	۶۰۴.....
فصل سوم: ضمیر	۶۰۷.....
۱. تعریف	۶۰۷.....
۲. ضمیر غائب	۶۰۷.....
۳. ضمیر مخاطب	۶۰۸.....
۴. ضمیر متکلم	۶۰۹.....
۵. أقل ضمیر جمع، عدد سه است	۶۰۹.....
۶. عدم دلالت ضمیر جمع بر اجتماع افراد	۶۰۹.....
۷. ضمیر متکلم مع الغیر	۶۱۰.....
۸. نصوص	۶۱۰.....
فصل چهارم: موصول	۶۱۲.....
۱. تعریف	۶۱۲.....
۲. کاربرد فقهی	۶۱۲.....
۳. نصوص	۶۱۳.....
منابع	
۱. اصولی	۶۱۵.....
۲. ادبی	۶۱۷.....
۳. لغت	۶۱۷.....
۴. تفسیر	۶۱۸.....
۵. روایی	۶۱۸.....
۶. فقهی	۶۱۹.....
۷. بلاغت	۶۲۴.....
۸. منطق	۶۲۴.....

پیشگفتار

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که حضرت محمد (ص) و آل پاکش را که درود و صلوات را بر ایشان باد، مبلّغ و حافظ دین خود قرار داد و ما را در تحصیل احکام شرعیه و قوت بخشیدن به ارکان آن یعنی صرف، نحو، منطق و بلاغت یاری نمود.

علم فقه از شریف‌ترین و بانفیس‌ترین علوم به شمار می‌آید که انسان به وسیله‌ی آن اعمالی را که مطلوب و محبوب خداوند است و آنچه را که منهی و مغضوب درگاه اوست درمی‌یابد، لذا از بین تمامی علوم دیگر به این علم و از بین حاملان علوم مختلف به حاملان این علم، توجه و عنایت ویژه‌ای شده است. از این روی واجب است که به اندازه‌ی توان در این علم و ارکان آن تحقیق نمود.

از مهمترین ارکان علم فقه، صرف، نحو، منطق و بلاغت است، که علی‌رغم کوشش‌های بسیار در این زمینه‌ها، آن‌گونه که باید و سزاوار است به روش مطلوب به ابحاث این علوم پرداخته نشده است، روشی که با هدف نهائی خود یعنی استنباط تناسب داشته و راه آن را هموار نماید.

هدف اصلی طلاب علوم دینی، فقاہت به معنای عام آن است، یعنی بدست آوردن حکم خداوند در تمامی شئون زندگی بشر، در زمینه‌هایی چون احکام عبادات و معاملات، و مباحث علوم انسانی در بخش‌های مختلف آن؛ مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و غیره که در عصر حاضر اهمیت زیادی پیدا کرده، و ذهن دانشمندان اسلامی را به خود مشغول داشته است، و ارشادهای مقام معظم رهبری حفظه الله مبنی بر

تولید علم و تحول در علوم انسانی که چندی است ایشان بر این امر تاکید بسیار دارند، حاکی از اهمیت این مساله است. از عوامل مؤثر در تحقق این هدف، تحول در مقدمات این علوم یعنی صرف، نحو، منطق و بلاغت است.

از کاستی‌هایی که همواره در این حوزه وجود داشته است، نپرداختن به این علوم به صورت اجتهادی و با توجه به مبانی فقهی شیعه است. لذا قواعدی که در این علوم مطرح می‌شود پاسخگوی نیاز فقیه به طور کامل نیست. به عنوان مثال قواعدی که در صرف در باب دلالت فعل امر مطرح شده است نمی‌تواند پاسخگوی فقیه در استنباط احکام از آیات و روایات باشد؛ زیرا مباحثی که فقیه درباره‌ی این هیئت نیاز دارد به مراتب گسترده‌تر و عمیق‌تر از این مباحث است؛ مانند دلالت هیئت امر بر بعث وجوبی یا استحبابی، فور، تراخی، مره یا تکرار، ونهی از ضد و مباحث دیگر که مورد نیاز فقیه است. ولی علم صرف تنها تعریف اجمالی از فعل امر و صیغه‌ها و قواعد لفظی آن را ارائه می‌دهد.

وجود این ضعف سبب پیدایش علم اصول شده که گردید به گونه‌ای که بسیاری از این ضعفها را برطرف نمود. مانند مباحث تفصیلی که درباره‌ی هیئت مشتقات و دلالت آنها و هیئت امر مطرح شده است. از این روی می‌توان مباحث علم اصول را تکمیل کننده‌ی علم صرف دانست. به گونه‌ای که اگر کسی صرف را به طور کامل بخواند ولی علم اصول فقه را مسلط نشود نمی‌تواند از قواعد صرفی در فقه استفاده کند؛ زیرا علم اصول چهره‌ی جدیدی از علم صرف را به ما نشان می‌دهد. بنابراین تا علم صرف فقاهی و اجتهادی نشود نمی‌توان از آن بهره برد.

برخی گمان نموده‌اند علم صرف در فقه کاربرد ندارد. پاسخ این است که اگر مقصود از علم صرف همان قواعدی است که علمای ادب مطرح نموده‌اند درست است. ولی این موجب نفی کاربرد آن در فقه نمی‌شود؛ زیرا علمای اصول ضعفهای این علم را برطرف کرده‌اند و با نگاه اصولی شاید بتوان گفت علم صرف از مهمترین و کاربردی‌ترین

علوم اجتهاد است.

در حقیقت آنچه سبب ایجاد این توهم شده این است که این دو علم را از هم جدا انگاشته به گونه‌ای که اگر سخنی از تعریفی واحد برای مشتق در صرف و اصول به میان آید موجب استعجاب گردیده و از همان ابتداء گفته می‌شود مشتق اصولی غیر از مشتق صرفی است. یا اگر کسی مباحث مطرح شده درباره‌ی هیئت امر را به عنوان علم صرف مطرح کنیم موجب استعجاب خواهد بود؛ زیرا ارتباطی بین این دو دیده نمی‌شود. حال آنکه واقعیت این دو یک چیز است و دعوی جدانگاری این دو صرفاً دعوی لفظی و اصطلاحی خواهد بود.

شایان ذکر است که این دو علم باید هر دو به طور کامل خوانده شود و یکی بدون دیگری کفایت نمی‌کند. به صرف بدون اصول نتیجه می‌دهد و نه اصول بدون صرف و هر دو به یکدیگر نیاز دارند اگر چه از همان این دو، شأن اصول بالاتر است. بنابراین طرح این مطالب به معنای حذف یک علم نیست بلکه جهت شناخت جایگاه هر کدام از این علوم است.

دیدگاه‌هایی که در این کتاب ذکر می‌شود با توجه به بنانی فقهی شیعه و علمای صاحب نام در این عرصه همچون شهید اول (ره) و ثانی (ره) و ماصرین چون محقق خویی (ره) و امام خمینی (ره) و دیگران است. برخلاف دیدگاه‌هایی که در کتاب «صرف جامع کاربردی» ذکر گردید که در آنجا ما در بخش «نصوص» تنها دیدگاه‌های علمای صاحب نام همچون سیبویه و مبرد و ابن حاجب و سیوطی و عباس حسن استفاده کردیم. لذا با آشنایی به هر دو دیدگاه می‌توان مواضع تبادل یا تدابیر و تقاطع هر کدام را دانست.

در پایان از تمامی اهل فن استدعا داریم که ما را از لغزش‌های احتمالی مطلع کنند. باشد که این اثر ناچیز مورد قبول واقع گردد.

مصطفی جمالی